

تربیت معلم و دبیری ، مسیر درست ، ناهموار یا اشتباه ؟

گزینش و پرورش دانشجویان تربیت معلم و دبیری ، مسیر درست ، ناهموار یا اشتباه ؟

داود ارشدی

مسئول کمیته جوانان و دانشجویی سازمان معلمان فارس

در نظام آموزش عالی هر کشور، «تربیت معلم» یکی از حوزه‌های بسیار مهم و تاثیرگذار محسوب می‌شود و نقش مهمی در آینده هر کشوری ایفا می‌کند. تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان)، جایی است که در آن «معلمان آینده» ای تحصیل می‌کنند که نقطه آغاز هر تحول آموزش و پرورش هستند و تربیت نسل آینده در دستان آنها قرار دارد.

در کشور ما نیز فرایند گزینش و آموزش دانشجویان تربیت معلم ساختار بخصوص خود را دارد. داوطلبان پس از شرکت در کنکور سراسری و کسب حداقل امتیاز علمی در صورت احراز صلاحیت‌های عمومی، اختصاصی و سایر شرایط و ضوابط مندرج می‌توانند پس از انتخاب رشته و موفقیت در مراحل بررسی صلاحیت‌های عمومی، اختصاصی و کسب بالاترین نمره علمی در مقایسه با سایر داوطلبان آزمون در کد رشته‌های انتخابی، در صورت اعلام قبولی نهایی ادامه تحصیل دهند

به نظر می‌رسد فرایند قابل اعتمادی در این مسیر جریان دارد ولی با نگاهی دقیق‌تر به آفت‌های این مسیر می‌توان به صورت بهتری در این مورد تصمیم‌گیری کرد. در ادامه به بیان خلاصه و جمع‌بندی نظرات همکاران محترم در سازمان معلمان فارس در جلسه‌ای که در همین مورد برگزار شد می‌پردازیم:

* به نظر می‌رسد عدم قرار دادن حداقل نمره‌ی علمی برای گزینش اولیه باعث شده است که رتبه‌های بالای چند هزار در کنکور در رشته‌هایی که متقاضی کمتری در این مراکز دارند برای مرحله‌ی گزینش فراخوان شوند .

بر اساس شواهد در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هر چند نیروی تربیت شده‌ی مراکز تربیت معلم و دبیری بسیار توانمند و دلسوز و کم‌نظیر هستند ولی حداقل معیار علمی برای انتخاب رشته‌ی تربیت معلم و دبیری وجود نداشت و مصاحبه و گزینش حرف اول را می‌زد، گرچه نیروهای شایسته فراوانی هم در همین سالها با جلب نظر مسولان وارد شدند که قابل

انکار نیست. در بعضی موارد در انتخاب رشته نیز، نه از روی علاقه و رغبت، بلکه با نگاه به ظرفیت پذیرش رشته ها و از سر ناچاری اقدام به ثبت نام در این رشته می کردند ولی در حال حاضر با توجه به افزایش بیکاری در کشور مشتاقان ورود به این رشته ها بیشتر شده است و معیاری برای ورود به این رشته ها (رتبه های بالای ۶۰۰۰ هزار) در نظر گرفته شده است.

* در فرایند گزینش مراکز تربیت معلم و دبیری در بعضی موارد فرایند شایسته سالاری اجرا نمی‌گردد و بعضا سفارش و توصیه های آشنایان و اقوام اعمال می شود.

* در فرایند مصاحبه و گزینش بیشتر از سوالات و تست های سنجش صلاحیت اخلاقی استفاده می شود و توانمندی های ذاتی مورد نیاز یک معلم سنجیده نمی شود.

یکی از تفاوت‌های نظام تربیت معلم ایران با برخی کشورهای پیشرفته در این است که در کشور ما به محض قبولی در آزمون سراسری، شخص قبول شده، بدون آنکه هنوز توانایی های لازم و صلاحیت های حرفه ای در وی به اثبات رسیده باشد به عنوان معلم پذیرفته شده و متعهد به خدمت در آموزش و پرورش می شود.

* از نظر امکانات و تجهیزات دانشگاهی مراکز تربیت معلم و دبیری در حد اندازه های سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیست و بیشتر شبیه یک دبیرستان بزرگ شبانه روزی می باشد زمان کم آموزش و عدم امکان کارورزی مطلوب در مدارس نیز به نحوی در این مورد اثر گذار می باشد.

* در بعد رفاهی با توجه به اینکه خود دانشجویان تربیت معلم مبلغی به عنوان حقوق دریافت می کنند خدمات ارائه رفاهی شده مورد رضایت این دانشجویان نبوده است و شاهد اعتراض فراوان دانشجویان در این مورد هستیم.

* در بعد مشارکت دانشجویان تربیت معلم و دبیری در زمینه های سیاسی، اجتماعی و... به نظر می رسد با توجه به ترس دانشجویان از گزینش و از دست دادن کار در این مورد دانشجویان محافظه کارانه عمل کرده و از بیان نظر و دیدگاه‌های خود طفره می روند.

* از نظر آموزشی با توجه به استفاده ی این مراکز از دانشجویان دکتری و فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد و عدم استفاده از امکانات دانشگاهی بروز (حداقل در سطح ایران) در سطح پایین تری از سایر دانشگاه‌ها قرار دارد، ولی مصیبت واقعی استفاده از دانشجویان لیسانس یا فوق لیسانسی هست که با یک دوره ی کوتاه مدت ضمن خدمت معلم می شوند.

* در کشورهای پیشرفته ی دنیا برای انتخاب معلم در هر سطح و پایه

معیارهای مشخصی وجود دارد که به نظر می‌رسد این مورد در ایران به صورت کلی و بدون تفکیک انجام می‌شود.

اگر چه در دوره های تربیت معلم سعی شده منابع و کتاب هایی در خصوص روش ها و فنون تدریس، روانشناسی تربیتی، روانشناسی یادگیری و... برای دانشجویان در نظر گرفته شود و آنها نیز در طول دوره این منابع را در قالب واحد هایی می‌گذرانند اما کاربرد آنها در میدان عمل با ابهام و عدم شفافیت روبه‌روست و کارایی آنها ناپیدا است.

بنابر این از آنچه که در مدارس اتفاق می‌افتد تسهیل‌کنندگی و یا هدایت آموزشی توسط معلم دیده نمی‌شود. انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های کسانی است که از یک ذهن فلسفی برخوردارند و این امر یک تمایل روانی است.

از آنجا که کلاس درس به منزله یک میدان عملیاتی به حساب می‌آید که در آن انتزاعی‌ترین و عینی‌ترین مباحث آموزش و یادگیری به میان کشیده می‌شود، غالب معلمان حتی از انجام یک پژوهش ساده ناتوان هستند و این از سهل‌گیری و یک بعدی‌نگری نظام تربیت معلم است که معلم را تک‌بعدی و به عنوان یک انتقال‌دهنده صرف، آموزش می‌دهد.

در کشور ما سال‌هاست که قسمت‌های مختلف آموزش و پرورش، عرصه آزمون و خطاهای مکرر برنامه‌ریزان، مسئولین، وزیران و مدیران می‌شود.

با توجه به بررسی توانمندی بالای معلمان و دبیران کنونی کشور به نظر می‌رسد کلیت مسیر آموزش و تربیت معلم در ایران مسیر درستی هست ولی با برطرف کردن موارد و مشکلات ذکر شده قطعاً شاهد بهبود عملکرد این قشر خواهیم بود. باید ناهمواری‌های مسیر را اصلاح کرد تا مسیر هموار شده و هدف مشخص شود.

#اختصاصی سخن معلم